

عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن و حدیث

فاطمه غلامی (نویسنده مسئول)^۱

محبوبه کیانی^۲

چکیده

تمدن و تمدن‌سازی از مهم‌ترین مسائل جامعه و حکومت اسلامی است. بیانیه گام دوم بسان چراغ هدایتی، راهبر ملت به سوی تمدنی متعالی است که تدوین و نگارش آن توسط امام خامنه‌ای (دامت برکاته)، نشان از دغدغه‌مندی ایشان نسبت به ایجاد تمدن نوین اسلامی است. رهبری تأکید دارند که برای ادامه راه و ساختن تمدنی که زمینه ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه باشد، باید شناخت دقیق و درستی نسبت به گذشته داشته باشیم. لذا مهم‌ترین منابع اخبار گذشتگان برای عبرت‌آموزی، آیات و روایات هستند. در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای، و با نگاه ویژه به بیانیه گام دوم انقلاب، عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن و احادیث در چهار بعد عقیدتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است، که با بررسی چالش‌ها و آسیب‌هایی که منجر به انقراض تمدن شده است نسبت به عوامل عدم پایداری تمدن اسلامی هشدار می‌دهد. از

۱. طلبه سطح ۳ رشته تفسیر قرآن و کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام z.gholami135@gmail.com

۲. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه حضرت زینب علیها السلام ملایر k.kiani8320@yahoo.com

جمله این عوامل عدم تکافل، توازن و عدالت اجتماعی، هنجارشکنی و فساد در اخلاق، دوری از استقلال و آزادی، غفلت از نظارت و کنترل اجتماعی، خرافه‌گرایی و انحراف در دین، عدم وجود زمامدارن شایسته و... است. باید توجه داشته باشیم که اصلاح جامعه انسانی برای تمدن‌سازی یا بقای تمدنی متعالی و پایدار، فقط با ضوابط و اصول الهی میسر است.

کلید واژه‌ها: انقراض، تمدن، قرآن، احادیث، بیانیه گام دوم انقلاب، عوامل عقیدتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی

مقدمه

هدف دولت اسلامی، ایجاد زمینه‌های تشکیل تمدن اسلامی است. تمدنی متعالی مبتنی بر قرآن و سنت. تمدن‌های بسیاری در طول تاریخ وجود داشته که در اثر عواملی منقرض گشته‌اند. علم به چالش‌ها و آسیب‌های یک تمدن، ما را برای حفظ تمدن موجود یاری می‌کند. قرآن کریم مسائل مربوط به ملت‌های گذشته را به‌عنوان اندرز مطرح می‌کند تا ما با تفکر درباره آن‌ها عبرت بگیریم و به سرنوشت آن‌ها دچار نشویم: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْفُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَتَأْتِ الْأَخْيَرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادیها که به آن‌ها وحی می‌کردیم! آیا (مخالفتان دعوت تو) در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا فکر نمی‌کنید. (یوسف: ۱۰۹)

رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، که منشوری برای تداوم و ثبات تمدن است و حاوی نقاط قوت و چراغ راه پیشرفت تمدن اسلامی است؛ بیان می‌کنند: «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت. اگر ما از گذشته عبرت نگیریم در آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهیم گرفت.» ائمه علیهم‌السلام هم به مراتب ما را به عبرت از گذشته توصیه می‌کنند: امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «اعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَّمَ»

المُسْتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَ صَوْلَاتِهِ وَ وَقَائِعِهِ وَ مَثَلَاتِهِ؛ مردم از آنچه که بر ملت های متکبر گذشته، از کیفرها و عقوبت ها و سختگیری ها و ذلت و خواری فرود آمده عبرت گیرید». (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۹۲، ص ۲۷۵) وقتی که قرآن کریم، روایات و بیانات رهبر معظم انقلاب، مولفه ها و شاخصه های ثبات و عدم انقراض تمدن ها را مطرح می کنند، وظیفه ما اینست که با تحقیق و تبیین این موارد و با عبرت گیری و تعقل در آنها بهترین تمدن را تشکیل، و بدنبال پیشرفت و غنی شدن آن باشیم و در مقابل، از بوجود آمدن عوامل انقراض آن جلوگیری کنیم. نوشته حاضر با نگاهی وسیعتر نسبت به مکتوبات گذشته و البته مبتنی بر قرآن، احادیث و بیانیه گام دوم نگاشته شده است که آن را از دیگر آثار استشنا می کند. روش دستیابی به منابع در نوشته حاضر، روش نقلی و وحیانی است که اطلاعات به روش کتابخانه ای گردآوری شده و به شکل توصیفی و گزارشی پردازش شده است. با ملاک قرار دادن قرآن کریم و بررسی آسیب ها و چالش های مختلفی که جوامع در گذشته با آن روبه رو شده اند و موجب عذاب و نابودی آنها شده است؛ در می یابیم که عوامل متعددی موجب انقراض تمدن ها می شود، عواملی که احادیث هم آنها را تأیید می کند. این عوامل در جوامع امروزی هم امکان وجود دارند و باید مراقب آنها باشیم. رهبری با آسیب شناسی که نسبت به عمر چهل ساله انقلاب داشتند اقدام به تدوین بیانیه گام دوم انقلاب نموده و در آن محورهای اساسی و توصیه هایی را بیان فرمودند. این مقاله در کنار قرآن و سنت، نگاه ویژه ای به بیانیه گام دوم داشته و بر اساس کلیات و جزئیات آن، گردآوری شده است. حاصل تحقیقات در این منابع، دستیابی به دوازده عامل انقراض تمدن در چهار بعد عقیدتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که به تبیین آنها می پردازیم. این عوامل عبارتند از:

- الف) عوامل عقیدتی: ۱. عدم اعتقاد به توحید ۲. خرافه گرایی و انحراف در دین
 ب) عوامل فرهنگی: ۱. هنجارشکنی و فساد در اخلاق ۲. از دست دادن نعمات و فرصتها به واسطه کفران نعمت
 ج) عوامل سیاسی: ۱. دوری از استقلال و آزادی ۲. عدم وجود زمامداران شایسته ۳.

ظلم و ستمگری

د) عوامل اجتماعی: ۱. عدم تکافل و توازن و عدالت اجتماعی ۲. تنزل آستانه امید ۳. وجود تفرقه و اختلاف ۴. غفلت از نظارت و کنترل اجتماعی ۵. ناامنی و نبود امنیت.

۱. پیشینه

در پیشینه بررسی این موضوع مشاهده می‌کنیم که نسبت به موضوع تمدن و تمدن‌سازی پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. اما با این عنوان خاص یعنی عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن و حدیث به صورت جامع و با رویکرد بیانیه گام دوم انقلاب، مقاله و یا کتابی یافت نشد. اما به موضوعات مرتبط و نزدیکی دسترسی پیدا شد که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۱. عیسی زاده، عیسی، ۱۳۹۶، عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن، فصلنامه مطالعات

راهبردی ناجا، سال دوم، شماره ۶

در این مقاله، شش مورد از عوامل انقراض تمدن‌ها از دیدگاه قرآن بررسی شده است که از بیانات مقام معظم رهبری هم بهره برده‌اند. این شش مورد عبارتند از: ۱. ظلم ۲. بی‌توجهی به مسئولیت اجتماعی ۳. اشرافی‌گری ۴. کفران نعمت ۵. تکذیب آیات ۶. گناه و فساد) از نقاط قوت این نوشته استفاده از بیانات رهبری درباره تمدن‌سازی است که همگی با مطالعات ایشان و آگاهی و اشرافشان نسبت به قرآن، سنت و تاریخ هستند. نویسنده، مطالب و سرفصل‌های مطرح شده را به خوبی تبیین کرده و به آن‌ها پرداخته است. اما با این‌که از سخنان رهبری درباره تمدن‌سازی استفاده شده اما به همه شاخص‌های مطرح شده توسط رهبری که خود نویسنده در مقاله ذکر کرده نپرداخته است. بطور مثال شاخصه های تمدن قرآن از نظر رهبری را بیان کرده و در آن به مواردی چون عدالت، اقتصاد، پرهیز از تحجر و ارتجاع اشاره شده اما در متن مقاله به آن نپرداخته است، درحالی‌که نویسنده می‌توانست از سخنان معصومین علیهم‌السلام که از جمله منابع دینی است استفاده کنند.

۲. ولی پور، عبدالله، عابدینی، ناصر، ۱۳۹۳، بررسی عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن

مجید با بررسی مصادیق، فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث، سال ششم، شماره ۲۲

در این مقاله تنها به چهار مورد از عوامل انقراض تمدنها و فقط از دید قرآن مجید پرداخته شده است: (۱. شرک به خدا ۲. تکذیب پیامبران ۳. ظلم ۴. سرکشی مترفین) مطالب این نوشته از نظر چینشی، مناسب و به صورت سلسله مراتب ذکر شده‌اند و از انسجام محتوایی خوبی برخوردار است. اما وقتی از دیدگاه قرآن یک مسئله بررسی می‌شود باید به صورت جامع، تحقیق به سرانجام برسد. عوامل انقراض تمدنها در قرآن، کم نیستند ولی نویسنده فقط به چهار مورد پرداخته است.

۲. مفهوم‌شناسی

تمدن

برای کلمه تمدن از نظر لغوی، معانی گوناگونی بیان شده است که به ذکر دو مورد بسنده می‌کنیم: ۱. تمدن از ریشه «مدن» به معنای شهرنشین شدن یا همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی و سیاسی است. (معین، ۱۳۸۶: ۴۸۴/۱) ۲. تمدن مشتق از مدینه و مدینه موضع اجتماعی اشخاص است که با انواع حرفه‌ها و صناعات تعاونی که سبب تعیش بود، زندگی می‌کنند. (طوسی، ۱۴۱۳: ۲۰۹)

در بیان معنای اصطلاحی تمدن اقوال مختلفی وجود دارد، از متداولترین معانی تمدن می‌توان گفت: «تمدن به معنای تشکل انسان‌ها با روابط عالی و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی آن در همه ابعاد ممکن است.» (جعفری تبریزی، ۱۳۷۷: ۱۶۶/۵) تمدن فرهنگ ریشه دار و حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی انسان هاست. چنان‌که اسلامی فرد، تمدن را مظهر مادی و معنوی فرهنگ قلمداد کرده است. (اسلامی فرد، ۱۳۸۹: ۲۱) آیت‌الله جوادی آملی تمدن را نظامی اجتماعی می‌داند که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان می‌یابد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۴۸)

مفهوم تمدن از نظر مقام معظم رهبری: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد.» بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری. (۱۳۹۲/۰۶/۱۴) [https://farsi.khamenei.ir/newspart-\(index?tid=1712&npt=2](https://farsi.khamenei.ir/newspart-(index?tid=1712&npt=2)

۳. عوامل افول و زوال تمدن‌ها

۱.۳. عوامل عقیدتی

۱.۳-۱. عدم اعتقاد به توحید

شرک یعنی این‌که برای خداوند همتا قرار دهیم و به دنبال اثبات شریک برای خداوند باشیم، این همان بت‌پرستی است. مسئله توحید از اساسی‌ترین موضوعات قرآن است. سرآمد برنامه همه پیامبران دعوت به توحید و اجتناب از طاغوت است. هر پیامبری که در طول تاریخ آمده اولین مطلب تعلیمی‌اش توحید و یکتاپرستی بوده چراکه، این توحید و عدم شرک است که پایه تمدن و حافظ بقای آن است و از انقراضش جلوگیری می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی توحید را عالیترین سیر فکری و بالندگی انسان، و دور شدن از آن را مایه هلاکت می‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۹۲) خداوند در آیه ۳۶ سوره نحل بجهت هدایت، انسان‌ها را به عاقبت و سرنوشت مشرکینی که خدا را تکذیب کردند ارجاع می‌دهد، عاقبتی که نشان از ریشه‌کن شدن و انقراض آن‌ها دارد: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ»؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود! (نحل: ۳۶) از مصادیق تکذیب‌کنندگانی که منقرض شدند تمدن و مردم زمان حضرت نوح علیه السلام بود:

«وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ»؛ و او (نوح) را در برابر جمعیتی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری دادیم؛ چراکه قوم بدی بودند؛ از این رو همه آن‌ها را غرق کردیم. «انبیاء: ۷۷»

پیامبران پیوسته مردم را به یکتاپرستی و توحید دعوت می‌کردند، تلاش وافر آن‌ها در این امر برای بوجود آمدن یک تمدن توحیدی بود. به عنوان نمونه حضرت موسی علیه السلام، مردم زمان خود را به توحید فرا می‌خواند. او در این راه حتی فرعون را که در آن زمان در نگاه مردم، مقام خدایی داشت را به باور توحیدی دعوت می‌کرد: «فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَهٌ إِلَّا أَن تَزُكِّي وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْتَلِي»؛ و به او بگو: آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟! و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا از او بترسی (و گناه نکنی)؟! (نازعات: ۱۸ و ۱۹)

شُرک به خداوند و عدم اعتقاد به توحید آثار زیادی دارد: ۱. مشرک گمراه است: «...وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»؛ و هر کس برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی دوری افتاده است. (نساء: ۱۱۶) ۲. بهشت بر مشرک، حرام و جایگاه او آتش است: «مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ»؛ هر کس شریکی برای خدا قرار دهد، خداوند بهشت را براو حرام کرده است و جایگاه او دوزخ است. (مائده: ۷۲) ۳. آمرزش و بخشش الهی شامل مشرک نمی‌شود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ»؛ خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد (نساء: ۴۸) با این توصیفات، انسانی که گمراه بوده، بخشش و آمرزش خداوند شامل او نمی‌شود و حتی بهشت براو حرام، و جایگاهش جهنم است، قطعاً نابود خواهد شد و این وضعیت در یک تمدن اسلامی هم باعث زوال و نابودی آن تمدن می‌شود. پس از مهم‌ترین عوامل بقای یک تمدن عدم وجود شرک در آن تمدن است. انسانی که خدا را به عنوان تنها معبود جهان قبول داشته باشد، با انگیزه و توان فراوان در پی کسب رضایت اوست و افعالش را منطبق بر توحید انجام می‌دهد و هدف تعالی افعالی او می‌شود.

اگر افراد عادی به حال خود رها شوند، از راه راست منحرف می‌شوند هرچند که در صنعت و تکنولوژی به جایی برسند که زیر دریایی بسازند. مردم ژاپن و چین با آن همه

پیشرفت علمی و صنعتی، زیر خط فقر فرهنگی هستند زیرا همچنان در برابر بت، که مصنوع بشر است کرنش می‌کنند این همان بت پرستی در جهان نوین است. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «بشر با انحراف از توحید، ره به منزل نمی‌برد. اکنون نیز بسیاری از مردم به ظاهر متمدن به بت پرستی مدرن مبتلایند ممکن است در صنعت پیشرفت کنند اما وقتی خود را از وحی بی‌نیاز بدانند به جای غمخوار جامعه بودن خونخوار مظلومان خواهند بود.» (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۲)

بهترین نقش فردی و اجتماعی در ایجاد تمدن و حفظ و وقایع آن این است که تمام حرکت‌ها، ایده‌ها، گرایش‌ها و نگرش‌های انسان‌ها را در جهت مبدا واحد و هدفی کامل که همان ایده‌های مطلق و برتر هستی است سوق دهد. (صدر، ۱۳۶۱: ۵۹) وقتی که باور توحیدی در یک جامعه نهادینه و به‌طور عمومی رایج باشد، عامل مهمی در همکاری همگانی مردم، در پیشبرد اهداف و ترویج فرهنگ واحد مورد قبول جامعه است. در واقع تمدن یکپارچه شکل گرفته که مهم‌ترین مؤلفه در این جا عدم وجود تضاد مقابل هم است، چیزی که موجب پیشرفت شگرف یک تمدن می‌شود. در چنین جامعه‌ای، والاترین مرتبه انسان‌گرایی حقیقی در خداباوری حقیقی تحقق پیدا کرده و هویت انسان در جامعه معنا پیدا می‌کند و زمینه ساز حرکت او در ایجاد تمدن و تکامل می‌گردد. (بهجت پور، ۱۳۸۷: ۲۴۸/۱). شرک و بت پرستی در طول تاریخ باعث انقراض تمدن‌های فراوانی شده یکی از سوره‌های قرآن که از این موارد یاد کرده سوره مبارکه اعراف است. در آیات متعددی از این سوره، سرگذشت اقوامی چون قوم عاد، شعیب، نوح و ثمود ذکر شده که به علت شرک و بت پرستی نابود شدند. لذا بنابر اشتراکات کلامی و نتیجه‌ای این موارد، به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنیم:

از اقوامی که شرک عامل فروپاشی آن‌ها شده، قوم عاد است. حضرت هود علیه السلام به عنوان پیامبر، بین آن‌ها برانگیخته شد و در اولین اقدام، آن‌ها را به یکتاپرستی فراخواند: «وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ»؛ و به سوی قوم عاد، برادرشان

«هود» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! تنها خدا را پرستش کنید که جز او معبودی برای شما نیست! آیا پرهیزگاری پیشه نمی‌کنید؟!» (اعراف: ۶۵) اما عده کثیری مخالفت کرده، او را دروغگو خوانده و به خدای یگانه ایمان نیاوردند، که نتیجه این کار نابودی و زوال آن‌ها بود. «فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ»؛ سرانجام، او و کسانی را که با او بودند، برحمت خود نجات بخشیدیم و ریشه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند، قطع کردیم (اعراف: ۷۲). ذکر کردیم که این اقوام به خاطر عدم ایمان و اعتقاد به توحید و به خاطر بت پرستی و شرکشان عذاب شدند.

۱.۳-۲. خرافه گرایی و انحراف در دین

خرافه عقاید بی بنیان و مطالب موهوم است. (دهخدا، ۱۳۴۴: ۳۸۷/۲۱) و انحراف دینی دوری از اهداف اصلی خلقت و رضایت خداوند است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴۵۵/۹) انبیا آمدند تا انسان‌ها دچار خرافات و انحرافات نشوند. حقیقت دعوت انبیا اصلاح زندگی زمینی انسان است و آنان در حد توان کوشیده‌اند تا بشر را به مسیر تمدن توحیدی هدایت کنند و از انحرافات و موهومات باز دارند چنان که حضرت شعیب علیه السلام فرمودند: «قَالَ يَا قَوْمِ... مَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَاكُمْ عَنْهُ إِنَّ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ»؛ ای قوم من..... من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم، خودم مرتکب شوم! من جز اصلاح - تا آن جا که توانایی دارم - نمی‌خواهم. (هود: ۸۸) (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۴۳۰/۱۵) بعد از این که مردم هدایت شدند، اگر بعد از هدایت و ایمان آوردنشان، درباره مسائل دینی عقیدتی دچار خرافات و انحرافات شده و از هدایت دور شوند، تمدن الهی موجود شکننده و آسیب پذیر خواهد بود. امام علی علیه السلام در این باره فرمودند: «هرکس هدایت نشود، گمراهی هلاکش می‌کند» (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۲۸، ص ۵۳) مومنان یک جامعه به منزله یک پیکرند و سرنوشتشان به هم مرتبط است. پیوند سرنوشت‌ها موجب می‌شود که تخلف و انحراف یک فرد، در همه جامعه تأثیر بگذارد؛ چنان که یک بیماری واگیر در صورتی که معالجه نگردد، از فرد به جامعه سرایت نموده و سلامت آن را به خطر می‌اندازد. یک تمدن برای بقا نیازمند

حضور افراد هدایت شده است، لذا کسانی که منحرف شوند، یک عده دیگر را هم با خود منحرف می‌کنند. چراکه منحرفان، اسیر شیطان شده و او را معیار کار خود قرار داده‌اند و شیطان نیز آن‌ها را دام خود قرار داده: امام علی علیه السلام: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَاً وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَكَاً». (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۷، ص ۳۵)

به‌طور مثال تمدنی که حضرت موسی علیه السلام بنیان نهاد وقتی که برای مدتی کنار قوم خود نبود، فهمید که گوساله پرست شده‌اند و گوساله زرین را می‌پرستند که در واقع با یک خرافه‌گرایی و یک انحراف، تمدن توحیدی نوپای حضرت موسی رو به زوال نهاد که البته با برخورد و روشنگری ویژه حضرت موسی جامعه بیدار شد: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلَ فْتُوبُوا إِلَى بَرِّئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَرِّئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»؛ و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید! پس توبه کنید؛ و به‌سوی خالق خود باز گردید! و خود را به قتل برسانید! این کار، برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است. سپس خداوند توبه شما را پذیرفت؛ زیرا که او توبه‌پذیر و رحیم است. (بقره: ۵۴) منظور از کشتن خود در این آیه اینست که حکم مرتد منحرف برگشته از دین الهی، مرگ است.

نمونه انحراف اجتماعی عصر حاضر در ایران و در فتنه سال ۱۳۸۸ رخ داد، مسئولینی که منحرف شدند و مردمان زیادی را هم با خود به انحراف کشاندند. خدای را سپاس که با تدبیر رهبر فرزانه‌مان این انحراف به انقراضمان نینجامید. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند، فقط برای این که ملت و نظام منحرف شده و نابود شوند. این که جمهوری اسلامی ایران با لطف حق، همچنان با صلابت و با اقتدار پابرجاست به این دلیل است که این نهضت، منحرف نشده و این عدم انحراف، ریشه در ثبات اعتقادات مبنایی این نظام دارد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳)

۴. عوامل فرهنگی

۱.۴. هنجارشکنی و فساد در اخلاق

اخلاق عبارتست از ملکات و هیئتهای نفسانی که اگر نفس به آن متّصف شود، به سهولت کاری را انجام می‌دهد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۷۳) اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، راستگویی، شجاعت و... است. ارزش‌های اخلاقی در یک جامعه می‌تواند باعث قوام و استحکام تمدن و فرهنگ شود و درمقابل، سست شدن و نابودی این ارزش‌ها موجب انقراض تمدن می‌شود. یکی از دلایل انحطاط تمدن‌ها رواج فساد اخلاقی بوده است. امام علی علیه السلام، نهایت کار و محصول فساد فاسدان را عذاب و بدبختی معرفی کرده است. (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۲، ص ۲۹) ابن‌خلدون هم یکی از علل سقوط تمدن‌ها را سست شدن اعتقادات دینی و تعالیم مذهبی و از بین رفتن ارزش‌های اخلاقی و فضایل در جامعه می‌داند. (ابن‌خلدون، ۱۳۶۲: ۵۶۹/۱) شواهد تاریخی نشان می‌دهد آن‌گاه که فرمانروایان و مردم گرفتار فساد اخلاقی شدند، زمینه فروپاشی تمدنشان فراهم گردید (اخوان، ۱۳۹۶: <https://www.taghrib.org/fa/article/print/800>)

تزلزل در حکومت‌ها و تمدن‌ها از آنجایی شروع می‌شود که انسان به دنبال هوای نفس خویش می‌رود و برده آن می‌شود. امام علی علیه السلام نتیجه پیروی از هوای نفس را، مرگ می‌داند: «مَنْ جَرَى فِي عِنَانِ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ» (رضی، ۱۳۹۰: حکمت ۱۹، ص ۴۴۷) درحالی‌که پاداش کسی که از هوای نفسش پیروی نکند جز بهشت نیست: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»؛ و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست. (نازعات: ۴۰ و ۴۱) مشخص می‌شود که این‌گونه انسان‌ها هستند که باعث رشد و ترقی تمدن می‌شوند و الا انسان‌هایی که از هوای نفس تبعیت کرده و دچار فساد اخلاقی شوند، نه تنها کمکی به پیشرفت تمدن نمی‌کنند، حتی موجب تضعیف و انقراض تمدن می‌شوند. ویل دورانت عامل اصلی زوال تمدن‌ها را از بین رفتن ارزش‌های دینی و اخلاقی، افراط در لذت طلبی، مشغول‌لهو و لعب شدن و... می‌داند.

(ویل دورانت، ۱۳۷۸: ۱۸/۱). پیامبران به‌طور مستمر در پی ترویج فضایل اخلاقی بوده‌اند چراکه می‌دانستند تمدن دینی با فضایل اخلاقی مستحکم می‌شود. ارزش‌های اخلاقی فطرتاً در انسان وجود دارند چراکه انسان فطرتاً پاک و حق‌گراست و این فطرت تغییرناپذیر است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند. (روم: ۳۰) نفس پلید و ناپاک، عاری از هرگونه ارزش‌های اخلاقی است. در نتیجه مردمان تمدنی که عاری از ارزش‌های اخلاقی باشند رستگار نخواهند بود و تمدنشان به انقراض کشیده خواهد شد، در واقع تا زمانی یک تمدن پایرجاست و منقرض نمی‌شود که انسان‌های آن تمدن پایرجا باشند، لکن تمدن بدون وجود آدمیان اصلاً وجود نخواهد داشت. قرآن کریم راه رستگاری انسان‌ها را پاکی و تزکیه نفس می‌داند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»؛ هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده. (شمس: ۹) به همین علت است که پیشوایان دینی ما برای رسیدن به تمدن متعالی و از دست نرفتن تمدن الهی موجود، در صدد زنده کردن و پویایی ارزش‌های اخلاقی و تزکیه نفس مردم یک جامعه بودند. تزکیه نفس نسبت به منکرات، افکار و افعال ناهنجار است. قرآن کریم یکی از راه‌های رهایی از کارهای ضد ارزش و منکر را، نماز معرفی کرده است: «وَأَقِمْ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»؛ نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد (عنکبوت: ۴۵) اینجاست که می‌فهمیم چرا نماز ستون دین است؛ زیرا متضمن ارزش‌های اخلاقی و تزکیه نفس آدمی است. دریافتیم که فساد اخلاقی نابودکننده تمدن‌هاست و فاسد جز شقاوت، عذاب، بدبختی، خسران و نابودی عاقبت دیگری ندارد. بر ماست که با تزکیه نفس، فساد اخلاقی را از خود دور کرده و به سرشت و فطرت پاک خود بازگردیم؛ و اولین گام در این تزکیه، اقامه نماز است. در منابع مختلف دینی راه‌های دیگری برای اصلاح فساد ذکر شده بطور مثال: ۱. امام علی علیه السلام راه حل اصلاح همه فسادها را، اصلاح نیت، محبت الهی و

درخواست عفو از خدا می‌داند. (رضی، ۱۳۹۰؛ خطبه ۱۷۸، ص ۲۴۳) ۲. یکی از راه‌هایی که قرآن کریم برای دچار نشدن به فساد مطرح می‌کند، یاد و ذکر نعمت‌های خداست: «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»؛ نعمتهای خدا را متذکر شوید! و در زمین، به فساد نکوشید. (اعراف: ۷۴)

معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) حکومت‌ها برای رواج فضایل اخلاق نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند باید حکومت خود، منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشد و زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کند. با انقلاب اسلامی ایران معنویت و اخلاق افزایش چشمگیر داشته است. معنویت و اخلاق ملتی که تبلیغات مروج فساد و بی‌بند و باری در طول دوران پهلوی، به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم کشانده بود و این رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی ایران بود که دل‌های مستعد و نورانی را مجذوب کرد و فضا به نفع دین و اخلاق دگرگون شد آن هم در دورانی که سقوط اخلاقی روز افزون غرب و پیروانش و تبلیغات پرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است و این یک معجزه از انقلاب است. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) پس زندگی اجتماعی زمانی سبب تمدن و تکامل است که از مبادی ایمانی و اخلاقی نشئت بگیرد، اما اگر برای تأمین لذات و شهوات باشد عامل هبوط و سقوط تمدن است.

۲.۴. از دست دادن نعمات و فرصت‌ها به واسطه کفران نعمت

وقتی خداوند متعال به ما نعمتی می‌دهد، تنها انتظاری که از ما دارد شکرگزاری است و این تشکر با استفاده درست از این نعمات حاصل می‌شود. این قانون خداست که اگر کسی قدر نعمات الهی را نداند، از او پس گرفته می‌شود. خداوند متعال در آیه ۷ سوره مبارکه

ابراهیم می‌فرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»؛ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است. ناسپاسی از نعمت‌های خداوند مصداق ستمکاری است. اما این ستم را انسان در واقع در حق خودش انجام می‌دهد: «وَوَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»؛ و ابر را بر شما سایبان قرار دادیم؛ و «من» [شیره مخصوص و لذیذ درختان] و «سلوی» [مرغان مخصوص شبیه کبوتر] را بر شما فرستادیم؛ (و گفتیم: «از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید!» (ولی شما کفران کردید!) آن‌ها به ما ستم نکردند؛ بلکه به خود ستم می‌نمودند. (بقره: ۵۷) تمدن‌ها و مردمان زیادی بودند که به خاطر ناسپاسی نسبت به نعمات الهی عذاب شده و منقرض شدند: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَبَلَكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ نُسَكِّنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا»؛ و چه بسیار از شهرها و آبادی‌هایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم! این خانه‌های آنهاست (که ویران شده) و بعد از آنان جز اندکی، کسی در آن‌ها سکونت نکرد (قصص: ۵۸). از آنجاکه قرآن، برای همه اعصار و دوره‌هاست نکته مهمی که از این آیه باید برداشت کنیم این است که نعمت‌های خدا در این زمان چه نعمتی است که ما باید قدر آن را بدانیم. منظور از نعمت‌های الهی همان ولایت اهل بیت است. یاد نعمت‌های الهی رمز رستگاری است زیرا یاد نعمت‌ها عشق و محبت می‌آورد، محبت اطاعت در پی دارد و اطاعت نیز رستگاری به دنبال دارد. (نور قرآنی، ۱۳۹۸: ۳/۹۶)

احادیث متعددی هم مؤید این مطلبند که کفران نعمت عامل هلاکت است: «إِنَّ لِلَّهِ [تَعَالَى] فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا؛ فَمَنْ آذَاهُ زَادَهُ مِنْهَا، وَمَنْ قَصَرَ فِيهِ خَاطِرٌ بَرَزَ إِلَىٰ نِعْمَتِهِ»؛ خدا را در هر نعمتی حقی است، هر کس آن را بپردازد، فزونی یابد، و آن کس که نپردازد و کوتاهی کند، در خطر نابودی قرار گیرد. (رضی، ۱۳۹۰: حکمت ۲۴۴، ص ۴۸۴)

۵. عوامل سیاسی

۱.۵. دوری از استقلال و آزادی

آزادی امت باعث شکوفایی استعدادها می‌شود و شکوفایی استعدادها مستقیماً رشد دهنده فرهنگ جامعه است و این‌گونه تمدن‌ها بوجود آمده و غنی می‌شوند. امام علی علیه السلام در وصف کشورداری خویش خطاب به مردم می‌فرماید: «أَعْتَقْتُكُمْ مِنْ رِبْقِ الدُّلِّ وَ حَلَقِ الضَّمِيمِ»؛ از بندهای بردگی و ذلت شما را نجات داده، و از حلقه‌های ستم رهایی بخشیدم. (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۵۹، ص ۲۱۰) در واقع امام علی علیه السلام برای رشد و بالندگی تمدن، به برطرف کردن یکی از آسیب‌های مورد توجه جامعه پرداخته است. حال اگر مردم در جامعه‌ای از نعمت آزادی سلب شوند، فرهنگ تضعیف شده و تمدن هم رو به نابودی خواهد گذاشت، زیرا ملت برده یا استعمار زده احساس ذلت می‌کنند و همین ذلت سبب انقراض تمدن است. نِعَم الهی باید فراگیر باشد یعنی همگی بایست از نعم الهی استفاده کنند. وقتی فرد یا جماعتی، از نعمتی محروم شوند اول احساس حقارت و کوچکی می‌کنند سپس از فرهنگ و نظام حاکم متنفر می‌شوند و نهایتاً برای رسیدن به حقشان مبارزه می‌کنند و یا آماده مبارزه هستند. وجود گروهی که فرهنگ رایجی را قبول نداشته باشند عامل سستی و انقراض تمدن حاکم می‌شود چراکه آن افراد، در تلاش برای تغییر وضع موجود و در پی نابود کردن آن فرهنگ غلط هستند. نابودی فرهنگ برابر است با نابودی تمدن موجود. آیه ششم سوره مبارکه ابراهیم به نعمت آزادی مردم زمان حضرت موسی اشاره می‌کند که از دست فرعون نجات یافتند و فرعون نابود شد: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»؛ و (به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را بر خود به یاد داشته باشید، زمانی که شما را از (چنگال) آل فرعون رهایی بخشید. حضرت موسی علیه السلام که دغدغه بردگی بنی‌اسرائیل را داشت فرعون را به دلیل برده‌داری و استثمار بنی‌اسرائیل سرزنش میکرد: «وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ آیا این منتهی است که تو بر من می‌گذاری که بنی‌اسرائیل را برده خود ساخته‌ای. (شعراء: ۲۲) بنی‌اسرائیل که از برده بودن و ظلم

و استبداد فراعنه به ستوه آمده بودند با روحیه آزادیخواهی خود از تمدن مصر خارج و تمدن الهی را بوجود آوردند. در نتیجه یکی از مهم‌ترین دلایل انقراض تمدن مصر، همین برده داری های فراوان آن دوران توسط فراعنه بود. به همین خاطر است که رهبران الهی همواره به دنبال بازگرداندن آزادی برای انسان‌ها بوده‌اند. وقتی انسان برده باشد و مورد استثمار دیگران باشد در واقع دچار اسارت فکری، عقلی، ذهنی و فرهنگی هستند. انسان برای تعقل و تفکر آزادانه باید اسیر و برده نباشد. خداوند در قرآن بسیار به اهمیت تفکر و اندیشه و تعقل اشاره نموده و آزادی مادی و معنوی افراد جامعه لازمه تفکر و اندیشه سالم است چنان‌که از نخستین رسالت‌های انبیای الهی، آزاد کردن بندگان و مبارزه با طاغوت است. آخرین پیامبر الهی، حضرت محمد ﷺ در آن زمان انسان‌ها را به آزادی بشارت می‌داد: «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد. (اعراف: ۱۵۷) در گذشته آزادی به معنای برده نبودن نسبت به افراد دیگر بود اما امروزه معنایی گسترده‌تر هم پیدا کرده این‌که فرد و یک جامعه تحت سیطره استعمار کشور دیگری نباشد یعنی آزاد است. آزادی کشور ایران از تحمیل و زورگویی قدرت های سلطه‌گر جهان با خون صدها هزار انسان والا و شجاع به دست آمده که باید آن را حفظ کرد. (امام، خامنه‌ای بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>)

۲.۵. عدم وجود زمامداران شایسته

اگر یک تمدن فاقد زمامداران شایسته باشد قطع به یقین زوالش حتمی است. چراکه آن‌ها صلاحیت لازم را ندارند و چنین افرادی نه تنها باعث پیشرفت و غنی‌تر شدن تمدن نمی‌شوند بلکه تمدن را هم نابود می‌کنند. قرآن کریم به این امر اشاره می‌کند و می‌فرماید: «قُلُوبًا كَانَتْ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ»؛ چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آن‌ها، که نجاتشان دادیم!

وآنانکه ستم می‌کردند، از تنعم و کامجویی پیروی کردند؛ و گناهکار بودند (و نابود شدند). (هود: ۱۱۶) در نتیجه یک تمدن زمانی دچار افول نمی‌شود و روبه سقوط نمی‌نماید که رهبر و زمامداری شایسته، عادل، عالم و عامل به دین در رأس کار باشد. اولین شخص عامل به دین باید رهبر جامعه باشد چنان‌که امام علی علیه السلام میفرمایند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ»؛ کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد. (رضی، ۱۳۹۰: حکمت ۷۳، ص ۴۵۴) تمدنی که حکم خدا را اجرا کند دچار افول و زوال نمی‌شود اجرای حکم در سراسر یک بلاد توسط زمامداران انجام می‌گیرد، در قرآن کریم به اعمال سرپرستان و رهبران جامعه اشاره شده که باید چه کارهایی انجام دهند، و خودشان اولین عاملان به آن دستوراتند سپس مردم را به آن فرا می‌خوانند: ۱. «الَّذِينَ إِذْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ همان کسانی که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست. (حج: ۴۱) ۲. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛ سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند، (پیروزند؛ زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است. (مائده: ۵۵ و ۵۶)

مقام معظم رهبری برای زمامداری امور مختلف کشور تأکید بر مدیریت توسط جوانان دارند. ایشان فرموده‌اند: «برای رسیدن به آرمان‌های بلند نظام در جمهوری اسلامی ایران، یعنی تمدنی اسلامی - و حیاتی قوی و متعالی، که زمینه ساز ظهور امام زمان باشد، مسیری افتخارآمیز طی شده است اما آنچه که برای ادامه این مسیر مهم است وجود جوانان در راس کار و مدیریت کشور است چراکه سرعت عمل و ابتکار جوانان نقطه قوت آنان است. جوانان انقلابی، فعال و اندیشمند در همه عرصه‌ها چه دینی چه اخلاقی چه در عرصه عدالت باید

زیربار مسئولیت روند و با این روند، ایران عزیز اسلامی تبدیل به یک نظام پیشرفته اسلامی می‌شود. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>)

۵.۳. ظلم و ستمگری

ظلم در اصطلاح قرآن شامل هرگونه انحراف از موازین حق و تجاوز از حدود و قوانین حاکم بر فرایند تکامل موجود است یا انجام هر نوع عملی که مغایر وضعیت صحیح یا حرکت و تغییر تکاملی پدیده‌هاست. (پایدار، ۱۳۵۶: ۵۸). واژه ظلم به قدری معنای گسترده‌ای دارد که شامل هرگونه گناه و فساد است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۹۰) منظور از ظلم در قرآن کریم یک کار واحد و خاص نیست بلکه طبق آیات قرآن کریم، به کارها و انحرافات مختلفی ظلم می‌گویند: ۱. در آیه ۱۵۷ سوره انعام، ظلم به معنای تکذیب آیات الهی است: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا»؛ پس چه کسی ستمکارتر است از کسی که آیات خدا را تکذیب کرده و از آن روی گردانده است. ۲. در آیه ۱۳ سوره لقمان، ظلم به معنای شرک به خداست: «يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»؛ ای پسر عزیزم، هرگز شرک به خدا نیاور که شرک، بسیار ظلم بزرگی است. ۳. در آیه ۲۳ سوره توبه، ظلم به معنای اطاعت از کفار است: «إِنْ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ اگرچه آن‌ها کفر را بر ایمان بگزینند، و هر کس از شما آنان را دوست گیرد چنین کسانی بی‌شک ستمکارند.

با بررسی آیات مختلف قرآن کریم درمی‌یابیم که ظلم و ستم یکی از مهم‌ترین دلایلی است که از سوی قرآن به عنوان منقرض‌کننده تمدن و امت‌های قبلی ذکر شده است: ۱. «فَكَأَيُّ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ»؛ چه بسیار شهرها و آبادی‌هایی که آن‌ها را نابود و هلاک کردیم درحالی‌که (مردمش) ستمگر بودند. (حج: ۴۵). ۲. «وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ»؛ و هنگامی‌که فرستادگان ما (از فرشتگان) بشارت (تولد فرزند) برای ابراهیم آوردند، گفتند: «ما اهل این شهر و آبادی را [و به شهرهای قوم لوط اشاره کردند] هلاک خواهیم کرد، چراکه اهل آن ستمگرند» (عنکبوت: ۳۱) ۳. «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا

الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَا ظَلَمُوا؛ ما ائت های پیش از شما را، هنگامی که ظلم کردند، هلاک نمودیم. (یونس: ۱۳)

با تأمل در این آیات شریفه درمی یابیم: ۱. ظلم و ستم زمینه ساز سقوط ملت‌هاست ۲. عقاب و قهر الهی بعد از اتمام حجت است ۳. هلاکت برای ستمگرانی است که امیدى به ایمان و اصلاحشان نیست ۴. در کنار تاریخ، باید فلسفه تاریخ نیز بیان شود تا مایه عبرت باشد ۵. سنت‌های الهی همگانی و همیشگی است. نور(قرائتی، ۱۳۹۸: ۳/۵۴۸) پس هر شخص ظالم و ستمگری، هلاک می‌شود و این قانون و سنت همیشگی خداست که تغییرناپذیر است. در نتیجه نابودی ظالمان و تمدن آن‌ها جزء قوانین الهی است. این که ملت غیور ایران انقلاب کردند و انقلاب را به نتیجه رسانده و آرمان‌های انقلابی را حفظ کردند، به خاطر ظلم و ستم حکومت طاغوت بود. اولین برکت انقلاب اسلامی رهایی مردم از رژیم ننگین سلطنتی استبدادی و تبدیل حکومت شاهنشاهی به حکومت مردمی و مردم سالاری بود. (امام خامنه‌ای، (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://www.farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

تمدن برای بقا بایست بر محور حق و حقیقت حرکت کند: «فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَمُ: أَنَّهُمْ مَتَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ؛ همانا ملت‌های پیش از شما به هلاکت رسیدند، بدان جهت که حق مردم را نپرداختند. (رضی، ۱۳۹۰: نامه ۷۹، ص ۴۴۱) پیامبران علیهم‌السلام هم برای دوام تمدنی پایدار، فقط معتقد به حق بودند تا جایی که برای زنده نگه داشتن یا اعاده آن، هیچ ترسی از هیچ شخصی نداشتند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «وَ أَنْ لَا يَأْخُذَنِي فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ وَ أَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا؛ و این که در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نهراسم و حق را بگویم هرچند گفتنش تلخ و ناگوار باشد. (طباطبائی، ۱۳۸۳: ۱۳۲)

امام علی علیه‌السلام میفرمایند: «مَنْ عَامَلَ رَعِيَّتَهُ بِالظُّلْمِ أزالَ اللهُ مُلْكَهُ وَ عَجَّلَ بَوَارَهُ وَ هَلَكَهُ؛ هر کس نسبت به رعیتش ظلم ورزد، خداوند فرمانروایی اش را از بین برده و نابودی و هلاکتش را به تعجیل می‌اندازد. (خوانساری، ۱۳۶۶: ۳۵۸/۵) ظلم از ناحیه سردمداران و روسای

ملت‌ها قطعاً نابودی آن حکومت و تمدن را در پی دارد. از دید امام رضا علیه السلام، ستم سردمداران، سست و بی‌اعتبار شدن دولت را در پی دارد: «إِذَا جَارَ السُّلْطَانَهَاتِ الدَّوْلَةُ» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۱۰) چراکه این ملت قیام خواهند کرد. به همین خاطر است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «يَوْمَ الْمُظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ، أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمُظْلُومِ»؛ روزی که ستم‌دیده از ستمکار انتقام کشد، سخت‌تر از روزیست که ستمکار براو ستم روا می‌داشت. (رضی، ۱۳۹۰: حکمت ۲۴۱، ص ۴۸۴). امام علی علیه السلام خودشان در دوره کوتاه مدت حکومتشان، همواره فرماندهان و والیان را از ظلم و ستم و استبداد نسبت به مردم نهی می‌کردند تا تمدن اسلامی دچار افول نشود: امام علیه السلام خطاب به یکی از فرماندهان: «لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رَعِيَّةٍ»؛ تو حق‌نداری نسبت به رعیت استبدادورزی. (رضی، ۱۳۹۰: نامه ۵، ص ۳۴۵) البته گاهی اوقات خود ملت هم در حق خود ستم می‌کنند مانند مردمی که دعوت و نبوت پیامبران را تکذیب می‌کردند و به مقابله با آن‌ها می‌پرداختند و نهایتاً سرانجام همهگی نابودی بود. پس توجه به این نکته حائز اهمیت است که هر ظلمی در قبال کسی یا چیزی در واقع ظلم به خویشتن است چنان‌که قرآن کریم هم عامل هلاکت تمدن‌های گذشته را ظلم آن‌ها به خودشان بیان می‌کند: «فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»؛ ما هر یک از آنان را به گناهانشان گرفتیم، بر بعضی از آن‌ها طوفانی از سنگریزه فرستادیم و بعضی از آنان را صیحه آسمانی فروگرفت و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم و بعضی را غرق کردیم؛ خداوند هرگز به آن‌ها ستم نکرد، ولی آن‌ها خودشان بر خود ستم می‌کردند. (عنکبوت: ۴۰)

۶. عوامل اجتماعی

۱.۶. عدم تکافل، توازن و عدالت اجتماعی

عدل از ضروریترین مسائل حقوقی است که در صدر فرائض قرار دارد نه در ذیل نوافل. جامعه فاقد عدل از هرگونه تمدن ناب محروم است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «زمانی دین و

سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) پایدار شده و حکومت تداوم می‌یابد که عدالت برقرار شود و عدالت هم با رعایت حقوق متقابل توسط رهبر و مردم برقرار می‌شود». (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۲۱۶، ص ۳۱۵) وقتی عدالت در یک جامعه حکمفرما باشد، مردم با آسودگی خاطر و با اندیشه‌ای فراخ به سوی کمال و ترقی تمدن گام بر می‌دارند. وقتی بدانیم که عدالتی وجود نداشته باشد، در نتیجه، کار خود را بی‌ثمر دانسته و انگیزه خود را از دست می‌دهیم. با انگیزه از بین رفته، پایه‌های تمدن سست شده و رو به زوال خواهد گذشت. امام علی علیه السلام در ترسیم نحوه حکومت‌داری و نوع رفتار فرمانداران و مسئولان تأکید می‌کند که نوع رفتار باید بگونه‌ای باشد که ناتوانان از عدالت مأیوس نگردند. (رضی، ۱۳۹۰: نامه ۴۶، ص ۳۹۶)

به عنوان نمونه نگاه عادلانه نسبت به زن و مرد باید وجود داشته باشد، زنان حتی میان ملت‌های متمدن یونان که کتاب و قانون داشتند، هیچگاه حق و ارزشی نداشته بلکه مورد تهدید و قتل و خرید و فروش هم قرار می‌گرفتند. وقتی قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰). یعنی با مردم و افراد جامعه باید به گونه‌ای برخورد شود که حتی از آن‌ها ضایع نشود. این نشان می‌دهد که عدالت، از پایه‌های تمدن و جامعه است. هر آنچه که خداوند به آن امر می‌فرماید، قطعاً جزء عوامل استقرار و ثبات تمدن است. اجرای عدالت تا حدی مهم است که قرآن کریم می‌فرماید حتی نسبت به دشمنان هم عدالت را ترک نکنید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است. (مائده: ۸) خداوندی که عادل است قطعاً جهان مادی هم مشمول این صفت باری تعالی قرار می‌گیرد و این دنیا از عدل تهی نمی‌شود. این عدل است که به مثابه یک جریان زنده پویایی و دوام یک تمدن را تضمین می‌کند. عدل صفتی است که بازدهی و نقش اجتماعی دارد، جامعه و حرکت اجتماعی را بی‌نیاز می‌سازد و جامعه بشری و حرکت اجتماعی بیش از هر صفت دیگری شدیداً نیازمند عدل است. (صدر،

۱۴۰۱: ۱۹۷) به همین علت است که در قرآن کریم به عدل و قسط توجه ویژه شده و آیات متعددی امر به عدالت می‌کند: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ»؛ بگو: پروردگار من شما را به عدل و درستی امر کرده. (اعراف: ۲۹) کما این که برای بوجود آمدن تمدن الهی بر پایه عدل و قسط آیات زیادی می‌بینیم که قرآن کریم گسترش عدل و قسط را از اهداف بعثت پیامبران می‌داند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. (حدید: ۲۵) تلاش صادقانه و مستمر انبیاء و جانشینان آنان برای تشکیل حکومت، تنها ایجاد عدالت اجتماعی در تمام زمینه‌ها بوده است. (خمینی، ۱۳۹۰: ۷۰) این که پیامبران به دنبال تحقق عدالت بودند دلیلی محکم بر مهم بودن مسئله است برای این که یک تمدن دچار افول و انقراض نشود باید عدالت اشاعه شود. جامعه عدالت محور ایجاب می‌کند که دقت ویژه و مسئولانه‌ای نسبت به تکافل عمومی و توازن اجتماعی وجود داشته باشد. این دو رکن ضامن سلامت روحی، روانی و جسمی یک ملت‌اند. (غلامی، *)

اصل تکافل عمومی با هدف کفالت همگانی و ایجاد غنای عمومی بگونه‌ای که نیازمند در جامعه یافت نشود صادق است. (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۶۰۴) از جمله اقدامات جمهوری اسلامی ایران در عصر حاضر برای اجرای این اصل می‌توان به کمیته امداد، بهزیستی، هلال احمر و... اشاره کرد. توازن اجتماعی زمانی برقرار است که دسترسی و نحوه استفاده از ثروت، منابع و امکانات بگونه‌ای باشد که همه مردم بصورتی عادلانه و متناسب با نیازشان فارغ از هرگونه فاصله طبقاتی، از آن‌ها برخوردار باشند. با اجرای این دو اصل است که رضایت عمومی جامعه حاصل شده و شرایط برای نارضایتی عمومی و در پی آن ضعف دولت و سست شدن تمدن مهیا نمی‌شود.

در تمدن‌سازی و تداوم تمدن اگر نگاه ویژه به عدالت داریم این دید باید بعد بین المللی داشته باشد، به همین خاطر است که در عصر حاضر، ایران به کمک کشورهایی مثل عراق،

سوریه، یمن و لبنان می‌رود. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «اگر معیار تمدن، قسط و عدل و حق‌شناسی جامعه انسانی و حقوق بشر است، داخل و خارج کشور نباید فرقی داشته باشد.» (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۹۳)

عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی ایران هم بایست همان باشد. از برکات انقلاب جمهوری اسلامی ایران از نظر امام خامنه‌ای، بسط و سنگین کردن کفه عدالت در کشور است، رهبری عدالت در کشور را ارزشی والا و گوهری بی‌همتا می‌داند که باید در راس امور جمهوری اسلامی ایران باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۱)

۲.۶. تنزل آستانه امید

جامعه‌ای که دچار یأس و ناامیدی شود از رکود و حرکت باز می‌ایستد چراکه امیدواری، خیال و توهم نیست بلکه امید باعث حرکت و عمل می‌شود و موتور محرکه جامعه است. ناامیدی که فقط متوجه حضرت باری تعالی باشد نه بندگان او. امام علی علیه السلام هم امیدواری نسبت به غیر خدا را نهی می‌کنند: «لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ»؛ کسی از شما جز به پروردگار خود امیدوار نباشد. (رضی، ۱۳۹۰: حکمت ۸۲، ص ۴۵۶) هیچ تمدنی با ناامیدی و افسردگی پیش نرفته است. در زندگی انبیای الهی هم هیچ ناامیدی وجود ندارد بلکه تماماً سخن از امیدواری برای آینده‌ای خوب و زیباست. (محمدی ری شهری، ۱۳۶۸: ۳۲) اگر یک پیامبر برای دعوت مردم به دین و ایجاد حکومت الهی، امید و امیدواری نداشته باشد کارش مؤثر واقع نمی‌شود چراکه خودش هم معتقد به این کار نیست و در واقع منافات با مقام پیامبری دارد. تمام پیامبران با امیدواری به دنبال بوجود آمدن تمدنی الهی بوده‌اند. بطور مثال حضرت موسی علیه السلام هنگام فرار از مصر به مدین به هیچ عنوان ناامید نیست چنان‌که در آیه ۲۲ سوره قصص می‌خوانیم: «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ»؛ و هنگامی که متوجه جانب مدین شد گفت: «امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند». اگر انسان، خدا و رضایت او را سرلوحه افعال خویش قرار دهد آن وقت با این دید

انسان سرشار از شوق و رغبت شده و آینده را در پیش چشمان خود روشن و نورانی می‌بیند، امید را در او برمی‌انگیزد و تمدن می‌سازد. (مطهری، ۱۳۵۷: ۳۸) اما چگونه می‌شود که ناامیدی در تمدنی الهی و حیوانی نفوذ می‌کند؟ قرآن یکی از علت‌های ناامیدی را گناه و معصیت می‌داند: «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»؛ و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است (شمس: ۱۰). بایستی که از گناه و معاصی دوری کرده و اگر به گناه آلوده شدیم به هیچ وجه نسبت به رحمت الهی ناامید نشویم. «کسی نباید نسبت به خدا ناامید باشد چراکه رحمت خدا لاینقطع است.» (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۴۵، ص ۶۹)

امروزه مردم کشورمان تا حد زیادی با ناامیدی روبه‌رو هستند، وضعیت اقتصادی، اشتغال، وضعیت خانوادگی و تحصیل از عوامل داخلی ناامید شدن مردم است که سهم اقتصاد به مراتب بیشتر است. با تورم بی‌سابقه از بدو انقلاب تاکنون، افزایش بی‌رویه و نجومی قیمت‌ها علی‌الخصوص قیمت مسکن و توان پایین خانواده‌ها در فراهم کردن شرایط شروع زندگی برای جوانان و افزایش سن ازدواج آن‌ها، همگی به تنزل آستانه امید و ایجاد یاس منجر شده است. در کنار این عوامل داخلی، عوامل خارجی هم مزید بر علت هستند، این‌که حس خود تحقیربینی نسبت به مردم کشورهای دیگر برای مردم ایجاد شده نشان از تهاجم فرهنگی شدید از سوی جبهه دشمن است. این‌که رسانه‌های معاند و شبکه‌های ماهواره‌ای زندگی در کشورهای اروپایی را مدینه فاضله‌ای برای مسلمانان معرفی می‌کنند و همزمان هم مردم، تحت فشار مشکلات داخلی قرار دارند، این شرایط منجر به ایجاد احساس خود کمترینی و در نهایت خود تحقیری می‌شود که نتیجه‌ای جز ناامیدی و یأس ندارد.

کشور و ملت عزیز ایران از اول انقلاب تا الان درگیر و تحت شدیدترین و ظالمانه‌ترین تحریم‌ها هستند اما نکته و مؤلفه خاص و شاخصی که تداوم تمدن اسلامی را متضمن شده، امیدواری و زنده نگه داشتن روحیه حیات و عدم یأس نسبت به آینده است. نخستین توصیه رهبری در بیانیه گام دوم، امیدواری و نگاه خوشبینانه به آینده است.

رهبری امید را کلید اساسی همه قفل‌ها می‌دانند. در طول دوران پس از انقلاب، سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران از آینده است. نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد جوانان پرورش حس امید و امیدواری در خود و دیگران است. ایران کشوری است که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی کم‌نظیر است و البته بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست اندرکاران بی‌استفاده مانده آنچه که جهش ایجاد کرده و عامل فعال شدن این ظرفیت‌هاست انگیزه است، انگیزه انقلابی و جوانی. (امام، خامنه‌ای (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

مقام معظم رهبری فرمودند که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهان است. بایستی که روحیه و انگیزه مردم بالاخص جوانان افزایش یافته و در راه پیشرفت کشور کارگر واقع شود و نباید این همه ظرفیت بلااستفاده باقی بماند،

۳.۶. غفلت از نظارت و کنترل اجتماعی

انسان برای رسیدن به رستگاری، تعالی و پیشرفت باید به واجبات خود عمل کند. خداوند حکیم اموری را بر انسان واجب گردانیده که برایش سراسر سود باشد. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «الْفَرَائِضُ الْفَرَائِضُ، أَدُّوْهَا إِلَى اللَّهِ تُؤَدِّكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ»؛ واجبات! واجبات! در انجام واجبات کوتاهی نکنید تا شما را به بهشت رساند. (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۶۷، ص ۲۲۷) برخی واجبات فردی و برخی دیگر دارای ابعادی اجتماعی هستند و برخی فردی - اجتماعی‌اند. یکی از این واجبات فردی - اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر است. اسلام به امر به معروف و نهی از منکر توجه زیادی دارد زیرا انجام همه واجبات و ترک همه محرمات به انجام این دو وظیفه الهی است و باید گفت حیات دین و قوام آن به حیات این دو واجب بستگی دارد.

انسان‌ها در قبال یکدیگر مسئولیت دارند. نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او

ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. پس باید یکدیگر را ارشاد و در مقابل، دیگران را از انجام کارهای ناپسند باز بدارند. این یک واجب قطعی الهی است. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند. (آل عمران: ۱۰۴)» کسانی که آمر به معروف‌اند، قبل از هر چیز بایست خودشان عامل به آن معروف باشند. اگر این‌گونه نباشد مورد نفرین ائمه علیهم‌السلام قرار می‌گیرند؛ امام علی علیه‌السلام میفرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِيْنَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ»؛ نفرین بر آنانکه امر به معروف می‌کنند و خود ترک می‌نمایند. (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۲۹، ص ۱۷۵) در قرآن کریم گروهی از بنی اسرائیل را ذکر می‌کند که به خاطر ترک نهی از منکر مورد لعنت انبیاء واقع شده‌اند، کسانی که مورد لعن پیامبران باشند قطعاً نابودی سزای آنهاست: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ»؛ کافران بنی اسرائیل، بر زبان داوود و عیسی بن مریم، لعن و نفرین شدند! این به خاطر آن بود که گناه کردند و تجاوز می‌نمودند. آن‌ها هیچگاه یکدیگر را از کار زشت خود نهی نمی‌کردند. (مائده: ۷۸) این همه تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر، بدان جهت است که اگر این فرائض ترک شوند، تمدن و ماندگاریش به خطر می‌افتد. ترک این واجب باعث می‌شود، افراد شقی و پست، سگاندار و زمامدار امور شوند؛ امام علی علیه‌السلام: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ»؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می‌گردند. (رضی، ۱۳۹۰: نامه ۴۷، ص ۳۹۹) مسلط شدن بدترین انسان‌های یک جامعه بر مردم زمینه ساز دیگر عوامل انقراض تمدن‌ها چون ستم، بی‌عدالتی و... می‌شود. از طرفی عمل به این واجب عامل سعادت و نجات انسان و تمدن هم می‌شود و آن‌ها را از نابودی دور می‌کند: «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ»؛ چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها که

نجاتشان دادیم! و آنان که ستم می‌کردند، از تنعم و کامجویی پیروی کردند؛ و گناهکار بودند و نابود شدند. (هود: ۱۱۶) با تأمل در این آیه در می‌یابیم که تنها نجات یافتگان در نابودی تمدن، نهی کنندگان از فساد ذکر شده است.

۴.۶. وجود تفرقه و اختلاف

عدم اختلاف و تفرقه گاهی اوقات حتی از اولین ملاک‌های استقرار و تداوم تمدن است. نمونه بارز آن سکوت حضرت علی علیه السلام نسبت به مسلم‌ترین حق تاریخ پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله است. آن بزرگوار بود که برای از بین رفتن تمدن نوپای اسلامی - وحیانی از حق خودش گذشت تا اسلام و تمدن اسلامی زنده و پایدار بماند. امام علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «وَاللَّهِ لَأُسْلِمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً»؛ سوگند به خدا به آنچه انجام داده‌اید گردن می‌نهم، تا هنگامی که اوضاع مسلمین روبراه باشد و از هم نپاشد و جز من به دیگری ستم نشود (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۷۴، ص ۸۷). امام خمینی علیه السلام برای تداوم تمدن اسلامی در ایران و حتی در دیدی فرا ملی عامل انحطاط و سقوط تمدن اسلامی را تفرقه دانسته‌اند همانگونه که استعمارگران برای تحمیل خواسته‌های یک طرفه خویش وقتی با وحدت دول اسلامی روبه‌رو شدند، چاره کار را ایجاد تفرقه بین امت اسلامی میدانستند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۷۵) از دید معصومین علیهم السلام، گراندترین ارزش و والاترین کرامت، وحدت است: «أَزْجَحُ مِنْ كُلِّ مَمْنٍ وَ أَجَلُّ مِنْ كُلِّ حَظْرٍ» (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۹۲، ص ۲۸۳) تنازع مردم و اختلاف بین آن‌ها موجب فتنه، کینه، سست شدن و نابودی آنهاست: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»؛ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (وکشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (وشوکت) شما از میان نرود. (انفال: ۴۶) در نتیجه، اختلاف و تفرقه و عدم وحدت جامعه، تمدن را به ورطه نابودی و زوال میکشاند.

در بیانیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری یکی از برکات جمهوری اسلامی را ذکر می‌کند که از دید معظم له، محصول هماهنگی، وحدت، عدم تخالف و روحیه احساس جمعی است. این برکات شامل رشد علم، وجود میلیون‌ها تحصیل کرده، وجود هزاران

شرکت دانش بنیان، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی و رشد و پیشرفت در صنایع دفاعی و..... می‌شوند. یعنی وحدت رویه، روحیه همگانی مشترک و اتحاد بین امت در پیشبرد اهداف و رشد و پیشرفت کشور، این دستاوردها و برکات را به ارمغان آورده است. (امام، خامنه‌ای بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>)

۵.۶. ناامنی و نبود امنیت

امنیت از مهم‌ترین زمینه‌های رشد و دوام تمدن است. باید امنیت وجود داشته باشد تا تمدنی رو به جلو حرکت کند و الا هرج و مرج، تمدن را نابود می‌کند. (آیه نهم سوره حجرات مردم را از نزاع و برهم زدن امنیت جامعه نهی می‌کند: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ؛ و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ بپردازند، آن‌ها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید. امام علی علیه السلام درباره سرزمین بی‌امنیت می‌فرمایند: «سُرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَا يَأْمَنُ فِيهِ الْقُطَّان»؛ بدترین سرزمین‌ها برای سکونت، جایی است که ساکنانش امنیت ندارند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۲۴۳/۱۳) در نتیجه سرزمینی که بدترین مکان از سوی حضرت علی علیه السلام معرفی شده است قطعاً تمدنی متعالی ندارد و تمدن فشل، منقرض خواهد شد. بر همین اساس است که یکی از فلسفه تشکیل حکومت‌ها تأمین امنیت ملت است. (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۳۱، ص ۱۷۵)

با دقت در آیه ۱۲۶ سوره مبارکه بقره در می‌یابیم وجود امنیت مقدمه هرگونه آبادانی و پیشرفت است و کسانی که کافر شوند از نعمت امنیت بی‌بهره مانده و سرانجامشان هلاکت است: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»؛ (به یاد آورید) هنگامی را که

ابراهیم گفت: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده! و اهل آن را - آن‌ها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده‌اند - از ثمرات (گوناگون)، روزی ده!» گفت: «(ما دعای تو را اجابت کردیم؛ و مؤمنان را از انواع برکات، بهره‌مند ساختیم؛) اما به آن‌ها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد؛ سپس آن‌ها را به عذاب آتش می‌کشانیم؛ و چه بد سرانجامی دارند»

یکی از برکاتی که به لطف وجود انقلاب اسلامی ایران به ارمغان آمد، بحث امنیت بود جمهوری اسلامی ایران ثبات و امنیت کشور را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و همچنین در کارزاری نابرابر در جنگ هشت ساله، شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۵)

نتیجه:

مردم و حکومت اسلامی، باید تمدن نوین اسلامی را ایجاد و در حفظ و تعالی آن بکوشند. مهم‌ترین شاخصه در حفظ تمدن، عبرت گرفتن از تمدن‌های متلاشی و منقرض گذشته است. آسیب و چالش‌هایی که متوجه آنان بوده را باید شناخت تا به سرگذشتشان دچار نشد. مسئولین و زمامداران، محوری‌ترین عامل ثبات یک تمدن‌اند. بسیاری از عوامل انقراض تمدن‌ها با عملکرد آن‌ها ارتباط مستقیم دارد. مانند ظلم و ستم، فساد اخلاقی، ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه، عدم عدالت و... مسئولین امور باید جوان، بانگیزه، انقلابی، عدالتخواه، بااخلاق و اندیشمند باشند تا تمدنی مترقی ساخته شده و منقرض نشود. مردم یک تمدن نیز، در سرنوشت و ثبات تمدنشان نقش بسزایی دارند. برای حفظ تمدن نوین اسلامی، مردم به‌عنوان موتور محرکه جامعه باید فعال و پویا بوده و با شرک، فساد اخلاقی، بی‌عدالتی مبارزه کرده و واجب الهی اجتماعی مانند امر به معروف و نهی از منکر را به جا آورند. تمدنی متعالی در دو محور خلاصه می‌شود اول گرایش به نیکی‌ها، دوم پرهیز از زشتی‌ها؛ این دو محور کلیدی‌ترین و راهبردی‌ترین جریان بقای یک تمدن ناب است. دفاع از کیان کشور اسلامی در پرتو حراست همه‌جانبه از تمام مظاهر تمدن یک ملتی است که تمدن خویش را در تدین خود می‌داند. تمدن نوین اسلامی، زمینه ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ پس هر اقدامی در این مسیر بر ما واجب است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمان، ۱۳۶۲، «مقدمه»، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، ج ۱، چهارم، علمی فرهنگی
۳. اخوان، عباس، ۱۳۹۶، «تبيين مولفه‌های تمدن‌ساز در سیره پیامبر اعظم»، بازیابی: ۱۴/۰۳/۱۴۰۰ از سایت:
۴. اسلامی فرد، زهرا، ۱۳۸۹، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام»، قم، اول، دفتر نشر معارف
۵. بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۸۷، «تفسیر همگان با وحی»، قم، ج ۱، دوم، سبط النبوی
۶. پایدار، حبیب الله، ۱۳۵۶، «حیات و مرگ تمدن‌ها»، تهران، بی‌چا، نشر فرهنگ اسلامی
۷. پایگاه اطلاع رسانی: <https://www.taghrib.org/fa/article/print/800>
۸. جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۷۷، «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه»، تهران، ج ۵، بی‌چا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۹. جمشیدی، محمد حسین، ۱۳۸۰، «نظریه عدالت از دیدگاه فارابی - امام خمینی علیه السلام - شهید صدر»، تهران، پژوهشکده امام خمینی
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، «مبادی اخلاق در قرآن»، قم، سوم، اسراء
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، «انتظار بشر از دین»، قم، سوم، اسراء
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۵، «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی»، قم، سیزدهم، اسراء
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۸، «ولایت فقیه»، قم، هجدهم، اسراء
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۹، «تسنیم»، قم، ج ۱، سیزدهم، اسراء
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۷، «بیانیه گام دوم انقلاب»، khamenei.ir
۱۶. خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، «صحیفه امام»، تهران، ج ۱، بی‌چا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۷. خمینی، روح الله، ۱۳۹۰، «ولایت فقیه»، تهران، بیست و سوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۸. خوانساری، محمد حسین، ۱۳۶۶، «شرح غرر الحکم و درر الکلم»، تهران، ج ۵، بی‌چا، دانشگاه

تهران

۱۹. دوران‌ت، ویلیام، ۱۳۷۸، «تاریخ تمدن»، ترجمه گروهی، تهران، ج ۱، ششم، علمی و فرهنگی
۲۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۴، «فرهنگنامه»، تهران، ج ۲۱، بی‌چا، دانشگاه تهران
۲۱. رضی، محمد، نهج البلاغه، ۱۳۹۰، ترجمه محمد دشتی، چاپ دوم، تهران، فرحان
۲۲. صدر، محمد باقر، ۱۴۰۱، «المدرسة القرآنية»، تهران، بی‌چا، دارالکتب الایرانی
۲۳. صدر، محمد باقر، ۱۳۶۱، «عبادت در اسلام»، ترجمه کاظم خلخالی، تهران، اول، عطایی
۲۴. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۸۳، «سنن النبی»، ترجمه عباس عزیزی، قم، سوم، صلاة
۲۵. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴، «المیزان»، ترجمه محمد باقر موسوی، قم، ج ۱۵، بی‌چا،

اسلامی

۲۶. طوسی، محمد نصیرالدین، ۱۴۱۳، «اخلاق ناصری»، تهران، اول، علمیه اسلامیة
۲۷. غلامی، فاطمه، ۱۳۹۹، «نقش کارگزاران اجتماعی و اقتصادی بر سلامت جامعه در حکومت علوی»، همایش ملی سیره علوی، دوره یازدهم
۲۸. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، «تفسیر نور»، تهران، ج ۵، بی‌چا، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
۲۹. قرائتی، محسن، ۱۳۹۸، «تفسیر نور»، تهران، ج ۳، چهاردهم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
۳۰. محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، قم، ج ۱۳، چاپ هفتم، نشر دارالحدیث
۳۱. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۶۸، «نقش آفرینی‌های امید»، تهران، بی‌چا، پاسدار اسلام
۳۲. مدرسی، محمد تقی، ۱۴۱۹، «من هدی القرآن»، تهران، ج ۹، اول، دار محبی الحسین
۳۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷، «خدمات متقابل اسلام و ایران»، تهران، بی‌چا، صدرا
۳۴. معین، محمد، ۱۳۸۶، «فرهنگ معین»، تصحیح عزیزالله علیزاده، تهران، ج ۱، چهارم، آدنا
۳۵. مفید، محمد، ۱۴۱۳، «الأمالی»، تصحیح حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، اول، کنگره

شیخ مفید